

بررسی نقش ویژگی‌های شخصی و حرفه‌ای بر میزان ریسک‌پذیری گندم کاران منطقه باصدی شهرستان رامهرمز

مسعود حکمت*

دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

احمدرضا عمانی

استادیار گروه کارشناسی ارشد مدیریت کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

تاریخ پذیرش: ۹۲/۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۷

چکیده

هدف از انجام این مطالعه بررسی ویژگی‌های شخصی و حرفه‌ای بر ریسک‌پذیری گندم کاران منطقه باصدی شهرستان رامهرمز بوده است. به منظور جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت. به منظور بررسی روایی ابزار تحقیق، از نظرات متخصصان اجرایی در این زمینه کمک گرفته شد. پایایی پرسشنامه از طریق ضریب کرونباخ آلفا برابر با ۰/۸۳۹ ارزیابی شد. بر اساس نتایج حاصله بین متغیرهای سطح تحصیلات، درآمد سالانه، کل مساحت مزرعه، عملکرد، کانال‌های ارتباطی، با متغیر ریسک‌پذیری در سطح ۹۵ درصد رابطه معنی‌داری به دست آمد. همچنین نتایج نشان داد که نه متغیر فاصله مزرعه تا مراکز خدمات، مساحت مزرعه، نگرش کشاورزان به مدیریت ریسک، میزان استفاده از کانال‌های ارتباطی، سطح تحصیلات، شرکت در کلاس‌های ترویجی، دانش فنی، درآمد سالانه و عملکرد توانستند که ۶/۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند.

کلید واژه: مدیریت ریسک، ویژگی‌های شخصی و حرفه‌ای، منطقه باصدی، ریسک‌پذیری، گندم کاران.

* نویسنده مسئول مکاتبات، Masoud.hekmat1@gmail.com

مقدمه

بخش کشاورزی نقش مهمی در اقتصاد بسیاری از کشورهای در حال توسعه ایفا می‌کند. فعالیت در این بخش نسبت به سایر بخش‌های مختلف اقتصادی به علت شرایط خاص حاکم بر آن همواره با ریسک و نبود قطعیت همراه بوده است. از همین رو بهره‌برداران کشاورزی به دلیل نا اطمینانی از درآمد خود نگران بازپرداخت وام‌ها، پرداخت هزینه‌های ثابت (اجاره زمین، مالیات) و بسیاری از موارد پرداخت هزینه‌های زندگی می‌باشند (آگهی و بهرامی، ۱۳۸۴). بخش کشاورزی در ایران از واحدهای کوچک بسیار زیادی تشکیل شده است. زارعین در این واحدها در یک سال زراعی با قیمت‌ها، عملکردها و هزینه‌های متفاوتی برای محصولات و همچنین مقادیر مختلفی از منابع تولید زراعی روبه‌رو هستند. به علاوه در برخی حالات نیز زارعین با خطر بلاهای ناگهانی مواجه می‌شوند و ممکن است که محصولات و احشام آن‌ها به دلیل پاره‌ای از سوانح طبیعی مانند سیل، خشکسالی، طوفان، آتش‌سوزی و غیره از بین بروند. اگر چه نوع و شدت خطراتی که زارعین با آن‌ها مواجه می‌شوند، بسته به نوع نظام زراعی، شرایط جغرافیایی و وضعیت سیاسی و نهادی فرق می‌کند، ولی با این وجود، ریسک‌های کشاورزی در کلیه مناطق کشور رایج بوده و به ویژه برای زارعین کوچک، پیامدهای ناگواری به دنبال دارد (عمانی و نیک‌اندیش، ۱۳۸۹).

بر همین اساس همواره لزوم به‌کارگیری ابزار دقیق و مؤثر در جهت حمایت و تأمین امنیت اقتصادی جمعیت فعال در بخش کشاورزی و در نتیجه افزایش قدرت تولید و بالا بردن سطح زندگی آنان

احساس می‌شود. کشاورزی فعالیتی سرشار از مخاطرات است، در این فعالیت انواع مخاطرات طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و عمومی دست به دست هم داده و مجموعه شکننده و آسیب‌پذیری را برای کشاورزان فراهم کرده‌اند که نتیجه نهایی آن تهدید درآمد آن‌ها می‌باشد (بریم‌نژاد، ۱۳۸۴). بنابراین کشاورزان در محیط و شرایطی مجبور به تصمیم‌گیری درباره تخصیص منابع و تولید محصولات هستند که نسبت به قیمت‌ها و عملکردها محصولات، اطمینان وجود ندارد. این مسایل در تصمیمات تولیدکنندگان تأثیر می‌گذارد و نتایج تصمیم‌گیری را متفاوت با نتایج تصمیم‌گیری در شرایط اطمینان می‌کند (کیانی‌راد و یزدانی، ۱۳۸۲). همچنین میزان مصرف نهاده‌ها در شرایط وجود ریسک و بدون ریسک با یکدیگر متفاوت است، این میزان علاوه بر قیمت ستاده و نهاده و سطح تولید به عوامل دیگری از قبیل درجه ریسک گریزی و سهم نهایی نهاده‌ها و واریانس قیمت محصول و واریانس تولید نیز بستگی دارد (احسان و همکاران، ۱۳۸۷). در واقع وجود ریسک به غیر از قیمت و عملکرد بر تصمیمات تولیدی تولیدکنندگان نیز اثرگذار است، که این اثر بیشتر به درآمد حاصل از فروش محصولات و تصمیمات کشاورزان در استفاده از نهاده‌ها و عرضه محصولات متمرکز می‌باشد (اردستانی، ۱۳۸۸). اهمیت کشاورزی در توسعه اقتصادی سبب شده که افزایش تولید و درآمد کشاورزان از طریق کنترل چالش‌ها و ارائه راهکارهای مناسب همواره مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گیرد، عوامل ریسک‌ساز یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که کشاورزان

کلاس‌های ترویجی با سطح به‌کارگیری راهبردهای تولیدی زراعی مدیریت ریسک توسط گندم کاران، در سطح ۰/۰۱ رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

رفیعی دارانی و شاهنوشی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «بررسی موقعیت کشاورزان شهرستان‌های خراسان رضوی در مواجهه با شرایط مخاطره آمیز: کاربرد برنامه‌ریزی چند معیار» چنین بیان نمودند که هدف اصلی این مطالعه بررسی وضعیت کشاورزان شهرستان‌های گوناگون استان خراسان رضوی در مقابله با شرایط وجود ریسک در فرآیند تولیدی آن‌ها می‌باشد و روش تحلیل داده‌ها با استفاده از برنامه‌ریزی چند معیاری و بکارگیری روش تاپسیس^۱ می‌باشد. نتایج نشان داد که حدود ۶/۷۴ درصد از بهره‌برداران و ۷/۶۷ درصد سطح زیرکشت استان خراسان رضوی از نظر برخورداری از امکانات و شرایط مقابله با مخاطرات، در وضعیتی محروم و نامناسب قرار دارند و تنها ۳۳/۲ درصد از بهره‌برداران، در وضعیت مناسب و برخورداری قرار دارند. در انتها و در جهت توانمندسازی بهره‌برداران و کشاورزان استان خراسان رضوی در مواجهه با شرایط مخاطره آمیز، توسعه‌ی کشاورزی ترکیبی، استفاده از ماشین‌آلات مناسب و متناسب و هم‌چنین استفاده از پتانسیل تعاون روستایی در بکارگیری نهاده‌ها توصیه شده است، در ادامه نتایج بیان شده است که بین سن، میزان سواد، دانش فنی، فاصله مزرعه تا مراکز ترویجی، کلاس‌های آموزشی و ترویجی و مدیریت ریسک ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

پیوسته از آن رنج می‌برند و موجب زیان فراوان می‌باشد (جمشیدی، ۱۳۷۸).

در این زمینه، استراتژی فرآیند تصمیم‌گیری مدیران مزرعه در اداره و کنترل ریسک‌ها و تبدیل آن‌ها به فرصت‌ها مؤثر می‌باشد. مدیران مزرعه با شناخت و آگاهی از انواع ریسک‌ها، به‌کارگیری روش‌ها، ابزارها و سیاست‌های مختلف، به عبارت بهتر سازوکارهای مدیریت ریسک می‌توانند اثرات منفی انواع گوناگون مخاطره‌ها را، کاهش دهند (جوادیان، ۱۳۸۷).

مطالب یاد شده بیانگر این است که کشاورزانی قادرند ریسک‌ها را کنترل و بعضاً به فرصت تبدیل کنند که در انجام فرآیند مدیریت مزرعه توانمند باشند. نظام ترویج و آموزش کشاورزی به عنوان یک ساز و کار اطلاع‌رسانی و آموزشی می‌تواند با آموزش و اطلاع‌رسانی به موقع و هم‌چنین بالا بردن سطح مدیریتی کشاورزان نقش کلیدی را ایفا کند. مطالعه حاضر پیرامون بررسی میزان ریسک‌پذیری کشاورزان منطقه باصدی از توابع شهرستان رامهرمز واقع در استان خوزستان صورت گرفته است (رحیمی، ۱۳۷۹).

عمانی و نیک‌اندیش (۱۳۸۹) در تحقیقی با «عنوان شناسایی عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر کاربرد راهبردهای تولیدی زراعی مدیریت ریسک توسط گندم کاران شهرستان دزفول» چنین بیان نمودند که ۳۳/۴۳ درصد از گندم کاران شهرستان دزفول در گروه متوسط از لحاظ کاربرد راهبردهای تولیدی زراعی مدیریت ریسک قرار داشتند. هم‌چنین یافته‌های تحقیق نشان داد که بین سطح تحصیلات، دانش فنی، نگرش در زمینه راهبردهای مدیریت ریسک، درآمد محصول، و شرکت در

روستا و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیق خود با «عنوان بررسی عوامل مؤثر در مدیریت ریسک، مطالعه موردی گندم کاران خراسان رضوی» چنین بیان نمود که مهم‌ترین ریسک‌های تهدید کننده تولید گندم به ترتیب اهمیت عبارتند از: ریسک‌های طبیعی و اقتصادی و مهم‌ترین راهکارهایی که استرالیا برای مقابله با آن‌ها به کار گرفته است، به ترتیب اولویت استراتژی‌های تکنولوژیکی و مالی می‌باشد. همچنین نتایج تحلیل همبستگی مطالعه نشان داد که بین متغیر توانایی کشاورزان در مدیریت ریسک و تعدادی از متغیرهای مورد بررسی از جمله: میزان تحصیلات، نگرش نسبت به ریسک، میزان عملکرد در هکتار، سطح زیر کشت گندم، مساحت زمین زراعی، ارزش گندم فروشی، مشورت با کارشناسان و متخصصان کشاورزی در سطح یک درصد و برنامه‌های تلویزیونی در سطح پنج درصد رابطه معنی‌داری وجود دارد.

رستمی و همکاران (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان «مدیریت ریسک تولید گندم در نظام بهره‌برداری خانوادگی (مطالعه موردی شهرستان هرسین)» بیان کردند که هدف این پژوهش بررسی ویژگی‌های مدیریت ریسک تولید گندم در نظام بهره‌برداری خانوادگی آن منطقه می‌باشد. عملیات تولید محصولات زراعی در منطقه مورد مطالعه اساساً از شیوه سنتی تا مکانیزه متغیر می‌باشد. نتایج حاصل از این تحقیق بر این حقیقت دلالت داشت که همبستگی بین عامل آفات و بیماری‌ها، عامل اقلیمی و زیستی، مدیریت آب و خاک، مدیریت کاشت با مدیریت ریسک ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

Qiao & Lei (2007) در تحقیقی با «عنوان نظام مدیریت ریسک در چین: طراحی یک چهارچوب کاری» چنین بیان می‌کند که ریسک‌پذیری بخش کشاورزی بیشتر از بخش صنعت است زیرا که کشاورزی فعالیتی است که در محیط طبیعی با کمترین کنترل در عوامل اقلیمی صورت می‌گیرد. این تحقیق در بین زارعین گندم‌کار بی‌چین انجام شده که جامعه آماری آن ۱۸۳۰ نفر بوده و عوامل سن، جنس، میزان تحصیلات، اندازه زمین، مالکیت زمین، فاصله مزرعه تا مراکز خدمات کشاورزی، تعداد افراد خانوار و نوع نظام بهره‌برداری، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. نتایج حاصله بر این حقیقت دلالت داشت که کشاورزان با سواد بیشتر، ریسک‌پذیری بیشتری دارند، زارعین مرد نسبت به زارعین زن از قدرت ریسک‌پذیری بیشتری برخوردار بودند، افراد با سن کمتر ریسک‌ها را به خوبی شناسایی کرده و فعالیت تولیدی را با هر درجه از ریسک می‌پذیرند. بین میزان تحصیلات، کم بودن فاصله مزرعه تا مراکز خدمات کشاورزی، مالکیت مزرعه، تعداد افراد خانوار و نوع نظام بهره‌برداری با میزان ریسک‌پذیری این کشاورزان ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

Lien et al. (2005) در تحقیقی با «عنوان مدیریت و ویژگی‌های ریسک در بین کشاورزان تمام وقت و پاره‌وقت نروژ» چنین بیان کرده‌اند که کشاورزان نروژی با کشاورزان کشورهای توسعه یافته قابل مقایسه نیستند و درآمد کشاورزی متعادل کم و بخش کاهش یافته آن درآمد خانوار کشاورزان است. در سال ۲۰۰۱ تنها ۲۳ درصد از سود نهایی خانواده‌ها از کشاورزی، جنگل‌داری و ماهیگیری بدست آمد. برعکس در سال ۱۹۹۲

روستا و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیق خود با «عنوان بررسی عوامل مؤثر در مدیریت ریسک، مطالعه موردی گندم کاران خراسان رضوی» چنین بیان نمود که مهم‌ترین ریسک‌های تهدید کننده تولید گندم به ترتیب اهمیت عبارتند از: ریسک‌های طبیعی و اقتصادی و مهم‌ترین راهکارهایی که استرالیا برای مقابله با آن‌ها به کار گرفته است، به ترتیب اولویت استراتژی‌های تکنولوژیکی و مالی می‌باشد. همچنین نتایج تحلیل همبستگی مطالعه نشان داد که بین متغیر توانایی کشاورزان در مدیریت ریسک و تعدادی از متغیرهای مورد بررسی از جمله: میزان تحصیلات، نگرش نسبت به ریسک، میزان عملکرد در هکتار، سطح زیر کشت گندم، مساحت زمین زراعی، ارزش گندم فروشی، مشورت با کارشناسان و متخصصان کشاورزی در سطح یک درصد و برنامه‌های تلویزیونی در سطح پنج درصد رابطه معنی‌داری وجود دارد.

رستمی و همکاران (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان «مدیریت ریسک تولید گندم در نظام بهره‌برداری خانوادگی (مطالعه موردی شهرستان هرسین)» بیان کردند که هدف این پژوهش بررسی ویژگی‌های مدیریت ریسک تولید گندم در نظام بهره‌برداری خانوادگی آن منطقه می‌باشد. عملیات تولید محصولات زراعی در منطقه مورد مطالعه اساساً از شیوه سنتی تا مکانیزه متغیر می‌باشد. نتایج حاصل از این تحقیق بر این حقیقت دلالت داشت که همبستگی بین عامل آفات و بیماری‌ها، عامل اقلیمی و زیستی، مدیریت آب و خاک، مدیریت کاشت با مدیریت ریسک ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

نتایج مطالعه ترکمانی و حسین‌پور (۱۳۷۷) نشان داد که انجیر کاران استان فارس به شدت ریسک‌گریز هستند، بنابراین چنین می‌توان انتظار داشت که این کشاورزان، طرح‌هایی را انتخاب می‌کنند که از درجه اطمینان بالاتری برخوردار باشد.

قربانی (۱۳۷۹) در تحقیق خود با «عنوان تأثیر بیمه بر بهره‌وری تولید گندم در استان مازندران» چنین بیان نموده است که با توجه به اثر مثبت بیمه بر تولید گندم و بهره‌وری تولید آن، تحت پوشش قرار دادن زارعین در طرح بیمه گندم، استفاده مطلوب از ادوات و ماشین‌آلات، استفاده از بذر مناسب و اصلاح شده به مقدار مناسب بر اساس توصیه‌های فنی و زارعی، از مهم‌ترین روش‌های مدیریت ریسک در فرآیند تولید گندم می‌باشند.

کرباسی و همکاران (۱۳۸۲) در تحقیقی با «عنوان مدل‌سازی و اندازه‌گیری کارایی اقتصادی در شرایط توأم با ریسک» چنین بیان نموده‌اند که متغیرهای سطح زیر کشت، آگاهی زارع از حق بیمه و تعداد مشاغل جانبی و میزان پس‌انداز بهره‌بردار اثر مثبت و معناداری بر پذیرش بیمه محصولات کشاورزی و تمایل به ریسک‌پذیری زارعین داشته‌اند.

نتایج مطالعه تیرایی‌یاری (۱۳۸۱) نشان داد که بین متغیرهای سابقه کار کشاورزان، میزان ارتباط با کارشناسان ترویج، میزان زمین زیر کشت، نزدیکی و ارتباط با مراکز خدمات کشاورزی و وسعت کل اراضی کشاورزی با میزان ریسک‌پذیری زارعین، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

ترکمانی و قربانی (۱۳۷۶) اثر نهاده‌های مختلف را بر ریسک تولید گندم کاران شهرستان ساری به کمک توابع تولید تصادفی تعمیم یافته بررسی

درآمد صنایع اولیه ۲۷ درصد درآمد نهایی خانواده‌ها را تشکیل داد. رشد مشابهی در کشورهای توسعه یافته نیز دیده شد، سال ۲۰۰۰ بیش از ۹۴ درصد درآمد نهایی خانواده کشاورزان ایالات متحده از منابع غیر زراعی بدست آمده، بود که در سال ۱۹۸۷ این میزان ۶۲ درصد بوده است. نتایج به دست آمده از این تحقیق بیان می‌کند که بین سن، وضعیت تأهل، سابقه فعالیت کشاورزی، نوع مالکیت زمین، جنسیت، تحصیلات، فاصله مزرعه تا مراکز خدماتی، درآمد مزرعه، پایداری فرآیند تولیدی، پایداری کشاورزی، تقویت مزرعه برای نسل بعد، کاهش کار در مزرعه و میزان ریسک‌پذیری کشاورزان و گرایش به کشاورزی تمام وقت، ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

نتایج مطالعه عالمگیر، حسین و کروچ در بنگلادش نشان داد که بین متغیرهای سن، تحصیلات، اندازه مزرعه، درآمد، مشارکت اجتماعی و استفاده از خدمات آموزشی رابطه مثبت و معنی‌داری با ریسک‌پذیری وجود داشته است، همچنین کشاورزانی که کشاورزی شغل اصلی آن‌ها می‌باشد، بیشتر از کشاورزانی که علاوه بر کشاورزی به کارهای دیگر هم اشتغال دارند، دانش و فناوری‌های جدید را می‌پذیرند و عمدتاً قدرت ریسک‌پذیری بیشتری دارند (منفرد، ۱۳۷۴).

مقدسی (۱۳۷۶) در مطالعه خود با عنوان «گرایش به ریسک» چنین نتیجه گرفت که بیشتر کشاورزان مورد مطالعه ریسک‌پذیرند. او همچنین روش‌های ترویجی را به صورت مؤثر و فعال جهت استفاده درست از تکنولوژی‌های جدید که در نهایت منجر به افزایش سطح تولید می‌شود را عامل مهم مدیریت ریسک تولید معرفی می‌کند.

در کشاورزی و میزان ریسک پذیری آن‌ها رابطه معنی‌داری گزارش شده است.

Sasmal (2003) آثار به‌کارگیری نهاده‌های مختلف را بر میانگین و ریسک تولید با کمک تابع تولید تصادفی تعمیم یافته مطالعه کرد و نتیجه گرفت که نهاده نیروی کار و بذر مرغوب موجب کاهش ریسک و نهاده کود شیمیایی موجب افزایش ریسک می‌گردد.

Nelson & Loehman (1987) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ویژگی‌های زراعی و میزان ریسک‌پذیری کشاورزان و استقبال آنان از بیمه‌های زراعی پرداختند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که بین فصل زراعت، نوع زراعت و نوع نظام زراعی کشاورزان و میزان استقبال آنان از بیمه‌های مطرح شده ارتباط معنی‌داری وجود دارد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که کشاورزان در فصل‌های کم‌آبی، رغبت و تمایل بیشتری برای پذیرش بیمه‌ها به منظور جبران احتمالی خسارت دارند.

اهداف تحقیق

هدف کلی این تحقیق بررسی نقش ویژگی‌های شخصی و حرفه‌ای بر میزان ریسک‌پذیری گندم کاران منطقه باصدی شهرستان رامهرمز می‌باشد. اهداف اختصاصی نیز عبارتند از: تعیین رابطه بین متغیرهای تحقیق با ریسک‌پذیری گندم کاران؛ و تعیین عوامل تبیین‌کننده ریسک‌پذیری از دیدگاه گندم کاران مورد مطالعه.

روش پژوهش

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه کشاورزان منطقه باصدی شهرستان رامهرمز می‌باشد که در سال زراعی ۱۳۸۸-۸۹ اقدام به کشت گندم نموده

کردند و به این نتیجه رسیدند که تنها نهاده‌های بذر و نیروی کار اثر مثبت بر ریسک تولید دارند.

ترکمانی (۱۳۷۷) در مطالعه‌ای دیگر به «بررسی و تعیین درجه ریسک‌گریزی، کارایی فنی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی استان فارس)» پرداخته است. در این پژوهش محقق معتقد است که بین فاصله مزرعه کشاورزان، مراکز ترویج و ارائه خدمات کشاورزی و قدرت ریسک‌پذیری کشاورزان رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که از عوامل فنی مؤثر در تعیین ریسک‌گریزی کشاورزان، میزان استفاده آن‌ها از تکنولوژی و سطح مکانیزاسیون می‌باشد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین دانش کشاورزان و قدرت ریسک و درجه ریسک‌گریزی آن‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد. یعنی کشاورزان با دانش و شناخت بیشتر از درجه ریسک بالاتری نسبت به کشاورزان با سطح دانش فنی پایین‌تر برخوردار بوده‌اند.

Bakker (2007) در پژوهشی به «بررسی عوامل اجتماعی و جامعه‌شناختی مؤثر در ریسک‌پذیری گندم کاران شهر پونا در هندوستان» پرداخت. تایج این پژوهش نشان داد که رفاه اجتماعی و مشارکت اجتماعی گندم کاران در ریسک‌پذیری آن‌ها تأثیر بسزایی دارد. به گونه‌ای که گندم کارانی که از سطح رفاه اجتماعی، پایگاه اجتماعی و مشارکت اجتماعی بالاتری برخوردار بوده‌اند، تمایل بیشتری به ریسک در نوع کشت داشته‌اند. علاوه بر این یافته‌های این پژوهش که بر روی ۳۱۸ نفر از گندم کاران شهر پونا انجام شده است، نشان می‌دهد که بین نوع نگرش گندم کاران و سابقه و مدت تجربه

گندم‌کاران منطقه مورد مطالعه تعداد هفت گویه طراحی شد و از مخاطبین خواسته شد تا به دقت به آن‌ها پاسخ دهند، پاسخ‌ها در یک طیف پنج سطحی (طیف لیکرت) طراحی شده بودند (بسیار کم، کم، متوسط، زیاد و بسیار زیاد) و در نهایت نتایج حاصل از نظرات گندم‌کاران مورد سنجش و بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها

آمار توصیفی

در بررسی توزیع فراوانی افراد بر حسب جنسیت مشخص شد که از مجموع ۹۰ نفر جامعه مورد مطالعه، تعداد ۸۲ نفر با فراوانی ۹۱/۱ درصد را مردان و ۸ نفر با فراوانی ۸/۹ درصد را زنان تشکیل داده‌اند، همچنین تعداد ۷ نفر با فراوانی ۷/۸ درصد مجرد و ۸۳ نفر با فراوانی ۹۲/۲ درصد متأهل می‌باشند. در بررسی توزیع سنی افراد مورد مطالعه نتایج نشان داد که تعداد ۳۱ نفر با فراوانی ۳۴/۴ درصد بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۲۹ نفر با فراوانی ۳۲/۳ درصد بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۱۵ نفر با فراوانی ۱۶/۶ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال و نهایتاً ۱۵ نفر با فراوانی ۱۶/۷ درصد بالای ۵۱ سال می‌باشند از جمله ویژگی‌هایی که می‌تواند بر بسیاری از واکنش‌های کشاورزان تأثیرگذار باشد، سطح تحصیلات افراد می‌باشد. بدین جهت در اغلب مطالعات میدانی این ویژگی از دیدگاه محققین مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد. در بررسی میزان تحصیلات کشاورزان منطقه باصدی، نتایج نشان داد که تعداد ۷ نفر با فراوانی ۷/۸ درصد بی‌سواد، ۷ نفر با فراوانی ۷/۸ درصد ابتدایی، ۱۵ نفر با فراوانی ۱۶/۷ درصد زیر دیپلم، ۳۴ نفر با فراوانی ۳۷/۸ درصد دیپلم و آموزش دیده همچنین تعداد ۲۸ نفر با فراوانی ۲۹/۹ درصد بالاتر از دیپلم بوده‌اند (جدول ۱).

اند، با توجه به محدود بودن تعداد زارعین از روش نمونه‌گیری سرشماری استفاده شده است ($n=90$). جهت انجام این تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از مطالعه اسنادی، مصاحبه، مشاهده و تحقیقات میدانی به صورت پرسشنامه‌ای استفاده گردیده است. متغیر وابسته این تحقیق سطح ریسک‌پذیری کشاورزان می‌باشد. جهت برآورد تابع ریسک‌پذیری از رگرسیون خطی استفاده شده است، برای برآورد اطلاعات این تحقیق از نرم افزارهای SPSS v17 بهره گرفته شده است. روش تحقیق، توصیفی همبستگی و تحلیلی از نوع علی، ارتباطی می‌باشد. ابزار تحقیق پرسشنامه‌ای بود که با بررسی منابع مختلف، فرضیات و سؤال‌های تحقیق طراحی شدند. به منظور تعیین اعتبار ابزار تحقیق، از روش پانل متخصصان استفاده گردید. به این شرح که چندین نسخه از پرسشنامه طراحی شده، در اختیار اساتید، کارشناسان و متخصصانی که در رابطه با مدیریت ریسک و ریسک‌پذیری فعالیت نموده‌اند، قرار داده شد، و از آن‌ها خواسته شد که درباره محتوای سؤال‌ها، شکل و ظاهر پرسشنامه نظرات خود را بیان کنند. سپس پرسشنامه‌ها را جمع‌آوری کرده و با استفاده از نتایج حاصله از نظرات متخصصان و کارشناسان، پرسشنامه‌ها اصلاح شد. در گام بعدی تعدادی از پرسشنامه‌های اصلاح شده را با استفاده از تعدادی از مخاطبین تحقیق تکمیل کرده و درباره محتوا و زیاد بودن سؤال‌های پرسشنامه از آن‌ها نظرخواهی شد. در پایان پرسشنامه نهایی تهیه و آماده سنجش پایایی شد. در این تحقیق ریسک‌پذیری گندم‌کاران منطقه باصدی شهرستان رامهرمز به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد. جهت سنجش میزان ریسک‌پذیری

جدول ۱- توزیع فراوانی افراد بر حسب ویژگی‌های شخصی

متغیرها	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
جنس			
مرد	۸۲	۹۱/۱	—
زن	۸	۸/۹	—
تأهل			
مجرد	۷	۷/۸	—
متأهل	۸۳	۹۲/۲	—
سن (سال)			
۲۰ تا ۳۰	۳۱	۳۴/۴	۳۴/۴
۳۱ تا ۴۰	۲۹	۳۲/۳	۶۶/۷
۴۱ تا ۵۰	۱۵	۱۶/۶	۸۳/۳
< ۵۱	۱۵	۱۶/۷	۱۰۰
تحصیلات			
بی سواد	۷	۷/۸	۷/۸
ابتدایی	۷	۷/۸	۱۵/۶
زیر دیپلم	۱۵	۱۶/۷	۳۲/۳
دیپلم و آموزش دیده	۳۴	۳۷/۸	۷۰/۱
بالتر از دیپلم	۲۸	۲۹/۹	۱۰۰

فراوانی ۱۸/۹ درصد به صورت اجاره‌ای و همچنین تعداد ۳ نفر با فراوانی ۳/۳ درصد توسط سایر روش‌ها اقدام به کشت گندم می‌نمایند. در بررسی میزان عملکرد سالانه کشاورزان منطقه مشخص شد که تعداد ۵ نفر با فراوانی ۵/۶ درصد در سال کمتر از ۲۰ تن گندم برداشت می‌کنند، ۱۵ نفر با فراوانی ۱۶/۶ درصد بین ۲۱ تا ۲۵ تن، ۱۰ نفر با فراوانی ۱۱ درصد بین ۲۶ تا ۳۰ تن، ۱۱ نفر با فراوانی ۱۲/۱ درصد بین ۳۱ تا ۳۵ تن و همچنین تعداد ۴۸ نفر با فراوانی ۵۴/۶ درصد سالانه بیشتر از ۳۶ تن گندم برداشت می‌کنند. با توجه به مطالب ذکر شده

در بررسی میزان درآمد کشاورزان منطقه مورد مطالعه مشخص شد که تعداد ۳۷ نفر با فراوانی ۴۰/۷ درصد ۱۰۰ میلیون ریال و کمتر از آن را در سال بدست می‌آوردند، تعداد ۲۱ نفر با فراوانی ۲۳/۱ درصد بین ۱۱۰ تا ۱۵۰ میلیون ریال، تعداد ۲۳ نفر با فراوانی ۲۵/۳ درصد بین ۱۶۰ تا ۲۰۰ میلیون ریال و همچنین تعداد ۹ نفر با فراوانی ۱۰/۹ درصد درآمدی بالای ۲۱۰ میلیون تومان در سال کسب می‌کنند. بررسی‌های انجام شده در زمینه نوع نظام بهره‌برداری نشان داد که تعداد ۷۰ نفر با فراوانی ۷۷/۸ درصد مالک و تعداد ۱۷ نفر با

هکتار و کمتر از آن، ۳۸ نفر با فراوانی ۴۲/۳ درصد بین ۵ تا ۱۰ هکتار، ۳۴ نفر با فراوانی ۳۷/۷ درصد بین ۱۱ تا ۱۵ هکتار و در نهایت تعداد ۱۵ نفر با فراوانی ۱۶/۷ درصد بیش از ۱۶ هکتار زمین را تحت مالکیت و کشت گندم قرار داده اند (جدول ۲).

می‌توان این چنین بیان نمود که بیش از نیمی از زارعین مورد مطالعه بیش از ۳۶ تن در سال برداشت گندم دارند که از عوامل تأثیرگذار بر این مسئله می‌توان به سابقه، میزان تحصیلات، اندازه مزرعه و ... اشاره نمود. در بررسی وسعت زمین تحت اختیار منطقه مشخص شد که تعداد ۳ نفر از کل جامعه مورد مطالعه با فراوانی ۳/۳ درصد ۴

جدول ۲- توزیع فراوانی افراد بر حسب ویژگی‌های اقتصادی

متغیرها	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
درآمد (میلیون ریال)			
> ۱۰۰	۳۷	۴۰/۷	۴۰/۷
۱۱۰ تا ۱۵۰	۲۱	۲۳/۱	۶۳/۸
۱۶۰ تا ۲۰۰	۲۳	۲۵/۳	۸۹/۱
< ۲۱۰	۹	۱۰/۹	۱۰۰
نظام بهره‌برداری			
مالک	۷۰	۷۷/۸	۷۷/۸
اجاره‌ای	۱۷	۱۸/۹	۹۶/۷
سایر	۳	۳/۳	۱۰۰
عملکرد (تن)			
کمتر از ۲۰	۵	۵/۶	۵/۶
بین ۲۱ تا ۲۵	۱۵	۱۶/۶	۲۲/۲
۲۶ تا ۳۰	۱۰	۱۱	۳۳/۳
۳۱ تا ۳۵	۱۱	۱۲/۱	۴۵/۴
< ۳۶	۴۸	۵۴/۶	۱۰۰
مساحت زمین			
۴ هکتار و کمتر از آن	۳	۳/۳	۳/۳
بین ۵ تا ۱۰ هکتار	۳۸	۴۲/۳	۴۵/۶
بین ۱۱ تا ۱۵ هکتار	۳۴	۳۷/۷	۸۳/۳
< ۱۶ هکتار	۱۵	۱۶/۷	۱۰۰

طرفی در بررسی نوع فعالیت کشاورزان منطقه، نتایج نشان داد که تعداد ۶۳ نفر با فراوانی ۷۰ درصد به کشت و زرع گندم مشغول بوده، ۲۶ نفر با فراوانی ۲۸/۹ درصد زراعت و دام‌پروری و همچنین تنها یک نفر با فراوانی ۱/۱ درصد به زراعت و باغداری اشتغال دارند. همچنین در بررسی میزان استفاده از کانال‌های ارتباطی توسط کشاورزان منطقه مورد مطالعه مشخص شد که تعداد ۱۴ نفر با فراوانی ۱۵/۶ درصد (کم)، ۲۱ نفر با فراوانی ۲۳/۳ درصد (متوسط)، ۴۷ نفر با فراوانی ۵۲/۲ درصد (زیاد) و همچنین تعداد ۸ نفر با فراوانی ۸/۹ درصد (بسیار زیاد) از این کانال‌ها بهره لازم را برده‌اند (جدول ۳).

در بررسی میزان سابقه کاری کشاورزان مورد مطالعه، نتایج نشان داد که تعداد ۱ نفر با فراوانی ۱/۱ درصد کمتر از یک سال سابقه کاری داشته است، ۲۲ نفر با فراوانی ۲۴/۵ درصد بین ۲ تا ۵ سال، ۲۳ نفر با فراوانی ۲۵/۵ درصد بین ۶ تا ۱۰ سال، ۱۹ نفر با فراوانی ۲۱/۱ درصد بین ۱۱ تا ۱۵ سال و همچنین تعداد ۲۵ نفر با فراوانی ۲۷/۸ درصد بیشتر از ۱۵ سال سابقه در امر کشاورزی دارند. همچنین در بررسی میزان فاصله مزرعه کشاورزان تا مراکز خدمات کشاورزی، نتایج نشان داد که تعداد ۵۷ نفر با فراوانی ۶۳/۳ درصد فاصله مزرعه آن‌ها تا مراکز خدمات کمتر از ۵ کیلومتر بوده، همچنین تعداد ۳۳ نفر با فراوانی ۳۶/۷ بیشتر از ۵ کیلومتر تا مرکز خدمات داشته‌اند. از

جدول ۳- توزیع فراوانی افراد بر حسب ویژگی‌های حرفه‌ای

متغیرها	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
سابقه کشت گندم (سال)			
یک و کمتر از آن	۱	۱/۱	۱/۱
بین ۲ تا ۵	۲۲	۲۴/۵	۲۵/۶
بین ۶ تا ۱۰	۲۳	۲۵/۵	۵۱/۱
بین ۱۱ تا ۱۵	۱۹	۲۱/۱	۷۲/۲
< ۱۵	۲۵	۲۷/۸	۱۰۰
فاصله مزرعه تا مراکز خدمات (کیلومتر)			
کمتر از ۵	۵۷	۶۳/۳	۶۳/۳
بیشتر از ۵	۳۳	۳۶/۷	۱۰۰
نوع فعالیت			
زراعت	۶۳	۷۰	۷۰
زراعت و دام‌پروری	۲۶	۲۸/۹	۹۸/۹
زراعت و باغداری	۱	۱/۱	۱۰۰
میزان استفاده از کانال‌های ارتباطی			
کم	۱۴	۱۵/۶	۱۵/۶
متوسط	۲۱	۲۳/۳	۳۸/۹
زیاد	۴۷	۵۲/۲	۹۱/۱
بسیار زیاد	۸	۸/۹	۱۰۰

به منظور سنجش سطح ریسک‌پذیری گندم‌کاران، ۷ پرسش در این زمینه طراحی و از مخاطبین خواسته شد تا پاسخ‌های خود را در یک طیف شش‌گزینه‌ای (هیچ، بسیار کم، کم، متوسط، زیاد و بسیار زیاد) بیان نمایند (جدول ۴).

جدول ۴- وضعیت گویه‌های مربوط به ریسک‌پذیری

گوپه‌ها	میانگین	انحراف معیار
دیگر کشاورزان را به کاربرد فناوری‌های جدید ترغیب می‌نمایم.	۲/۹۹	۱/۰۸۶
فناوری‌های جدید که معرفی می‌گردند در اسرع وقت به کار می‌گیرم.	۲/۹۴	۱/۰۸۵
توصیه‌های مروجین در زمینه یافته‌های نوین علمی را به کار می‌گیرم.	۲/۹۵	۱/۰۶۴
از ماشین‌های کشاورزی جدید در زمینه کاشت و برداشت محصول استفاده می‌کنم.	۳/۰۱	۱/۲۷۶
مزارع خود را به عنوان مزرعه نمایشی در اختیار کارشناسان قرار می‌دهم.	۳/۱۳	۱/۳۰۹
از بذور اصلاح شده برای افزایش عملکرد استفاده می‌کنم.	۲/۷۹	۱/۱۲۷
از کودهای زیستی در تولید محصولات کشاورزی به عنوان یافته نوین علمی استفاده می‌کنم.	۳/۱۱	۱/۲۴

جهت گروه‌بندی گندم‌کاران مورد مطالعه بر حسب سطح ریسک‌پذیری آن‌ها مجموع پاسخ‌ها محاسبه شد و با توجه به تعداد سؤال‌ها و ارزش پاسخ‌ها دامنه نمره افراد در پنج سطح با فواصل مساوی و بین ۷ تا ۳۵ تعیین شد. افرادی که نمره آن‌ها از ۷ تا ۱۲/۶ بود در گروه کاربرد بسیار پایین، از ۱۲/۶ تا ۱۸/۲، کاربرد پایین، از ۱۸/۲ تا ۲۳/۸، کاربرد متوسط، از ۲۳/۸ تا ۲۹/۴، کاربرد بالا و از ۲۹/۴ تا ۳۵، در گروه با کاربرد بسیار بالا قرار گرفتند (جدول ۵).

جدول ۵- سطح ریسک‌پذیری گندم‌کاران

سطح	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بسیار پایین	۲	۲/۲	۲/۲
پایین	۶	۶/۶	۸/۸
متوسط	۴۱	۴۵/۴	۵۴/۲
زیاد	۳۳	۳۶/۶	۹۰/۸
بسیار زیاد	۸	۹/۲	۱۰۰
جمع	۹۰	۱۰۰	

سطح ریسک‌پذیری با اطمینان ۹۵ درصد، رابطه مثبت و معنی‌داری به دست آمد. همچنین بین متغیر دانش فنی و نگرش با متغیر ریسک‌پذیری در سطح ۹۹ درصد، رابطه مثبت و معنی‌داری به دست آمد (جدول ۶).

به منظور تعیین رابطه بین متغیرهای مستقل تحقیق و متغیر ریسک‌پذیری از ضریب همبستگی اسپیرمن و پیرسون استفاده شد. بر اساس نتایج حاصل، بین متغیرهای سطح تحصیلات، درآمد سالانه، کل مساحت مزرعه، عملکرد، کانال ارتباطی با متغیر

جدول ۶- رابطه بین متغیرهای تحقیق

متغیرهای اول	متغیر دوم	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
سابقه کشاورزی	ریسک‌پذیری گندم کاران	۰/۰۲۰	۰/۰۵۱
سطح تحصیلات		۰/۱۸*	۰/۰۴۶
درآمد سالانه		۰/۲۱۳*	۰/۰۴۸
فاصله مزرعه		۰/۰۲۲	۰/۸۳۶
کل مساحت مزرعه		۰/۱۹۰*	۰/۰۳۷
عملکرد		۰/۱۵۸*	۰/۰۳۶
کانال ارتباطی		۰/۱۶۹*	۰/۰۱۱
دانش فنی		۰/۲۸۶**	۰/۰۰۰۶
نگرش		۰/۳۵۷**	۰/۰۰۱

*P<۰/۰۵

**P<۰/۰۱

اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت و معنی‌داری به دست آمد، همچنین بین متغیر وضعیت تأهل با متغیر ریسک‌پذیری ارتباط معنی‌داری به دست نیامد (جدول ۷ و ۸).

به منظور مقایسه گروه‌های مختلف از آزمون کروسکال‌والیس و من‌وایتنی استفاده شد. بر اساس نتایج حاصل، بین متغیرهای نوع فعالیت، نوع نظام بهره‌برداری و جنس با متغیر سطح ریسک‌پذیری با

جدول ۷- مقایسه متغیرها با استفاده از آزمون کروسکال‌والیس (n=۹۰)

متغیر گروه‌بندی	متغیر مورد آزمون (کروسکال‌والیس)	X ² مقدار	سطح معنی‌داری
نوع فعالیت	ریسک‌پذیری گندم کاران	۳/۴۲۹	۰/۰۱۸*
نوع نظام بهره‌برداری	ریسک‌پذیری گندم کاران	۵/۱۹۵	۰/۰۴۷*

*P<۰/۰۵

**P<۰/۰۱

جدول ۸- مقایسه متغیرها با استفاده از آزمون من‌وایتنی (n=۹۰)

متغیر گروه‌بندی	متغیر مورد آزمون (من‌وایتنی)	U مقدار	سطح معنی‌داری
جنس	ریسک‌پذیری گندم کاران	۳۲۴/۰۰۰	۰/۰۴۴*
تأهل	ریسک‌پذیری گندم کاران	۲۲۲/۰۰۰	۰/۰۶۰۱

*P<۰/۰۵

**P<۰/۰۱

در این پژوهش، برای تبیین و تعیین معادله خطی میزان ریسک‌پذیری کشاورزان به عنوان متغیر وابسته با متغیرهای مستقل معنی‌دار این تحقیق از تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیره خطی به شیوه گام به گام بهره گرفته شد. در این رگرسیون، بر اساس بتای استاندارد به دست آمده متغیرهای فاصله مزرعه تا مراکز خدمات، مساحت مزرعه، نگرش کشاورزان به مدیریت ریسک، میزان استفاده از کانال‌های ارتباطی، سطح تحصیلات، شرکت در کلاس‌های ترویجی، دانش فنی، درآمد سالانه و عملکرد به ترتیب به عنوان متغیرهایی بودند که بیشترین سهم را در میزان تغییرات متغیر وابسته داشتند، همچنین متغیرهای بیان شده توانستند که

۴۶/۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند. جدول شماره ۹ اطلاعات مربوط به تجزیه و تحلیل رگرسیون را نشان می‌دهند. به منظور برآورد معادله تخمین، با توجه به اطلاعات به دست آمده و معنی‌دار بودن مدل نهایی رگرسیون چند متغیره در این پژوهش، با معادله زیر می‌توان میزان ریسک‌پذیری کشاورزان را در منطقه مورد مطالعه تخمین زد:

$$Y = 1/300 X_1 + 1/064 X_2 + 0/974 X_3 + 0/480 X_4 - 0/709 X_5 - 0/380 X_6 + 0/349 X_7 + 0/380 X_8 - 1/818 X_9$$

جدول ۹- تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی مهارت گندم کاران در زمینه ریسک‌پذیری بر اساس متغیرهای مستقل تحقیق

متغیر پیش‌بینی	ضرایب استاندارد نشده	ضرایب استاندارد شده	T محاسبه شده	سطح معنی‌داری
فاصله مزرعه تا مراکز خدمات	۱/۰۶۴	۰/۰۸۸	۰/۷۶۴	۰/۴۴۷
مساحت مزرعه	۰/۹۴۷	۰/۷۳۸	۱/۹۴۵	۰/۰۴۵*
نگرش کشاورزان به مدیریت ریسک	۰/۴۸۰	۰/۱۸۲	۱/۴۰۶	۰/۰۴۳*
میزان استفاده از کانال‌های ارتباطی	۰/۳۸۰	۰/۰۵۶	۰/۵۵۳	۰/۰۴۲*
سطح تحصیلات	۰/۳۴۹	۰/۰۷۵	۰/۶۲۹	۰/۰۳۱*
شرکت در کلاس‌های ترویجی	۰/۲۵۷	۰/۱۷۸	۱/۵۱۵	۰/۰۳۴*
دانش فنی	-۰/۰۹۰	۰/۲۰۲	۰/۴۴۷	۰/۰۴۶*
درآمد سالانه	-۱/۸۱۸	۰/۳۴۴	۰/۹۴۱	۰/۰۳۵*
عدد ثابت	۱/۳۰۰	۱۰/۴۲۴	۰/۱۲۵	۰/۹۰۱

R_{adj}= 44.9

R²= 46.5

*P<۰/۰۵

**P<۰/۰۱

R= 47.2

F=12.891

Sig=0.000

بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف بررسی و شناسایی ویژگی‌های شخصی و حرفه‌ای بر میزان ریسک‌پذیری گندم کاران منطقه باصددی شهرستان رامهرمز انجام گرفت. بر طبق یافته‌هایی که از تحقیق به دست آمد، گندم کارانی که از لحاظ سنی جوان تر، سطح تحصیلات بالاتر، نگرش بالاتر، وضعیت اقتصادی بهتر، عملکرد زراعی بالاتر، فاصله مزرعه تا مراکز خدمات کمتر، مساحت مزرعه کمتر، دانش فنی بالاتر، شرکت در کلاس‌های ترویجی بیشتر و دسترسی بیشتری به منابع اطلاعاتی و تماس‌های ترویجی دارند نسبت به سایر گندم کاران، از سطح ریسک‌پذیری بالاتری برخوردار هستند. در تحلیل رگرسیونی چند متغیره برای شناسایی عوامل تأثیرگذار بر ریسک‌پذیری گندم کاران، در مجموع نه متغیر فاصله مزرعه تا مراکز خدمات، مساحت مزرعه، نگرش کشاورزان به مدیریت ریسک، میزان استفاده از کانال‌های ارتباطی، سطح تحصیلات، شرکت در کلاس‌های ترویجی، دانش فنی، درآمد سالانه و عملکرد محصول حدود ۴۶/۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته ریسک‌پذیری را تبیین می‌کنند.

بین سطح تحصیلات گندم کاران و سطح ریسک‌پذیری کشاورزان رابطه مثبت و معنی‌داری به دست آمد. نتایج تحقیقات مختلف از جمله ایروانی و همکاران (۱۳۸۵) از این یافته تحقیق حمایت می‌کنند.

بین سطح نگرش گندم کاران و سطح پذیرش ریسک توسط آن‌ها رابطه مثبت و معنی‌داری به دست آمد. ایروانی و همکاران (۱۳۸۵)، نعیمی نظام

آبادی (۱۳۷۷) و Bakker (2007)، نیز از این یافته تحقیق حمایت می‌کنند.

بین میزان دسترسی گندم کاران به کانال‌های ارتباطی با سطح پذیرش ریسک توسط آن‌ها رابطه مثبت و معنی‌داری به دست آمد. این یافته تحقیق را ایروانی و همکاران (۱۳۸۵) و نعیمی نظام آبادی (۱۳۷۷) نیز تأیید می‌کنند.

پیشنهادها

- با توجه به اینکه حدود ۴۴ درصد از گندم کاران بی‌سواد هستند و یا سطح سواد آن‌ها در حد پایینی است و میانگین سنی حدود ۳۸ سال دارند، پیشنهاد می‌شود که فرهنگ سازی عمیقی در ارتباط با روش‌های مختلف مدیریت ریسک در بین آن‌ها صورت گیرد، لذا تلاش شود از روش‌های آموزشی-ترویجی خاصی برای ارتقای سطح آگاهی‌های آن‌ها بهره گرفته شود. به نظر می‌رسد که به جای استفاده از مواد نوشتاری و متنی، باید از روش‌های آموزشی دیگر شنیداری و دیداری نظیر بازدیدهای آموزشی، کارگاه‌های عملی و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی نیز استفاده شود. به علاوه، اعتبارات کافی برای اجرای رهیافت مدرسه مزرعه کشاورز و آموزش کشاورز به کشاورزان از جمله همیاری کشاورزان پیشرو برای ارتقای انگیزش سایر کشاورزان معیشتی نیز توصیه می‌شود.

- با توجه به اینکه بین میزان دسترسی گندم کاران به کانال‌های ارتباطی و اطلاعاتی و سطح ریسک‌پذیری توسط آن‌ها رابطه مثبت و معنی‌داری به دست آمد، پیشنهاد می‌شود که اولاً دولت به عنوان بانی و مالک اصلی انواع کانال‌های ارتباطی زمینه

۳. اردستانی، ح. ر. (۱۳۸۸). سیاست‌های مدیریت ریسک در بخش کشاورزی. بخش دهم. قابل دسترس در:
- <http://javanemrooz.com/articles/Science/agriculture/article-28492.aspx>
۴. ایروانی، ه.، واحدی، م.، کلاتری، خ.، و موحدمحمدی، ه. (۱۳۸۵). عوامل مؤثر بر پذیرش بیمه گندم در شهرستان تفرش. *مجله علوم و تحقیقات کشاورزی ایران*، جلد ۳۷، شماره ۱، صفحات ۱۴۴-۱۳۷.
۵. بریم‌نژاد، و. (۱۳۸۴). مدیریت ریسک در کشاورزی. تهران: وزارت جهاد کشاورزی سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی. صفحات ۸۴-۱.
۶. ترکمانی، ج. (۱۳۷۷). تعیین درجه ریسک گریزی کارایی فنی و عامل‌های مؤثر بر آن، مطالعه موردی در استان فارس. *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، جلد ۱، شماره ۲۴، صفحات ۶۸-۴۲.
۷. ترکمانی، ج.، و حسین‌پور، ب. (۱۳۷۷). استفاده از قاعده اول اطمینان در تعیین ریسک‌گریزی کشاورزان. *مجموعه مقالات دومین گردهمایی اقتصاد کشاورزی ایران*. کرج: دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران، صفحات ۵۱-۴۲.
۸. ترکمانی، ج.، و قربانی، م. (۱۳۷۶). تأثیر مصرف نهاده‌ها بر ریسک تولید کاربرد تابع تولید تصادفی تعمیم یافته. *مجله علوم کشاورزی ایران*، جلد ۲۸، شماره ۲، صفحات ۴۲-۳۷.
۹. تیرایی‌یاری، ن. (۱۳۸۱). بررسی شخصیتی مؤثر بر نوگرایی در پذیرش طرح بیمه محصولات کشاورزی توسط بهره‌برداران استان خوزستان. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، صفحات ۴۳-۳۱.
- دسترسی بیشتر، بهتر و ارزان‌تر کشاورزان به انواع کانال‌های ارتباطی را فراهم نماید.
- کارشناسان و مروجان مدیریت جهاد کشاورزی و مراکز ترویج و خدمات کشاورزی فعالیت خود را در روستاها بیشتر کرده و با ارائه خدمات آموزشی و ترویجی در جهت ارتقاء دانش فنی کشاورزان در زمینه راهبردهای مدیریت مالی و بازاریابی ریسک، گام بردارند.
- اقدامات لازم در زمینه‌های آموزشی، خدماتی و حمایتی جهت افزایش انگیزه گندم کاران پیرامون به‌کارگیری اصول راهبردهای مدیریت ریسک می‌بایست صورت پذیرد.
- چنانچه اعمال سیاست‌های حمایت اقتصادی از جمله تنظیم بازار نهاده‌های کشاورزی، خرید تضمینی محصولات، ترویج بیمه محصولات کشاورزی و پرداخت وام‌های کم بهره، باعث بهبود وضعیت اقتصادی روستاییان و کشاورزان شد، می‌توان سطح به‌کارگیری راهبردهای مدیریت ریسک مالی و بازاریابی در بین گندم کاران را نیز ارتقاء داد.

منابع و مأخذ

۱. آگهی، ح.، و بهرامی، ع. (۱۳۸۴). مدیریت ریسک در مزارع کشور. *فصلنامه پژوهشی بیمه و کشاورزی*، سال ۲، شماره ۸، صفحات ۹۱-۷۹.
۲. احسان، ع.، تهرانی، ر.، و اسلامی، غ. (۱۳۸۷). بررسی ضریب ریسک گریزی و واریانس تولید در مدیریت ریسک، مطالعه موردی گوجه فرنگی کاران دزفول. *مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه*، جلد ۱، شماره ۶۱، صفحات ۳۵-۱۷.

۱۰. جمشیدی، ت. (۱۳۷۸). دیدگاه سیستمی در توسعه پایدار روستایی. *فصلنامه بانک و کشاورزی*، جلد ۶۸، شماره ۳۷، صفحات ۱۹-۲۵.
۱۱. جوادیان، ر. (۱۳۸۷). موانع و مشکلات ناشی از ماهیت ریسک‌ها در بخش کشاورزی. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، شماره ۴۵، صفحات ۳۱-۴۳.
۱۲. رحیمی، ع. (۱۳۷۹). سیاست‌های حمایت از کشاورزان، مطالعه موردی بخش‌های دام و شیلات کشور. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی، وزارت جهاد سازندگی، صفحات ۵۵-۶۷.
۱۳. رستمی، ف.، شعبانعلی‌فمی، ح.، موحدمحمدی، ح.، و ایروانی، ه. (۱۳۸۵). مدیریت ریسک تولید گندم در نظام بهره‌برداری خانوادگی، مطالعه موردی شهرستان هرسین. *مجله علوم کشاورزی ایران*، جلد ۲، شماره ۱، صفحات ۱۰۶-۹۳.
۱۴. رفیعی‌دارانی، ه.، و شاهنوشی، ن. (۱۳۸۹). بررسی موقعیت کشاورزان شهرستان‌های خراسان رضوی در مواجهه با شرایط مخاطره‌آمیز، کاربرد برنامه‌ریزی چند معیاره. *تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، جلد ۲، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۹، صفحات ۱۵۱-۱۶۴.
۱۵. روستا، ک.، فرج‌الله‌حسینی، س. ج.، چیذری، م.، و حسینی، س. م. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر در مدیریت ریسک، مطالعه موردی گندم کاران خراسان رضوی. *تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، جلد ۱، شماره ۳، صفحات ۱۲۷-۱۴۲.
۱۶. عمانی، ا. ر.، و نیک‌اندیش، ع. ر. (۱۳۸۹). شناسایی عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر کاربرد راهبردهای تولیدی زراعی مدیریت ریسک توسط گندم کاران شهرستان دزفول. *مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی*، سال سوم، شماره ۴، صفحات ۷۳-۸۴.
۱۷. قربانی، م. (۱۳۷۹). تأثیر بیمه بر بهره‌وری تولید گندم، استان مازندران با کاربرد مدل تجزیه. *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، جلد ۱، شماره ۲۰، صفحات ۷۳-۹۱.
۱۸. کرباسی، ع.، سالارپور، م.، و گزین، م. ر. (۱۳۸۲). مدل‌سازی و اندازه‌گیری کارایی اقتصادی در شرایط توأم با ریسک مطالعه موردی ذرت کاران شهرستان فسا. *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، جلد ۴، شماره ۱۰، صفحات ۴۷-۶۶.
۱۹. کیانی‌راد، ع.، و یزدانی، س. (۱۳۸۲). مدیریت ریسک و بیمه محصولات کشاورزی، تجارب و آموخته‌ها. چهارمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران، ۴ الی ۶ شهریور، کرج، صفحات ۱۷۲-۱۶۳.
۲۰. مقدسی، ر. (۱۳۷۶). گرایش به ریسک. *فصلنامه بیمه مرکزی*، جلد اول، شماره ۲، صفحات ۵-۹.
۲۱. منفرد، ن. (۱۳۷۴). سازه‌های مؤثر بر پذیرش تکنولوژی در زراعت برنج و تأثیر آن بر زنان شالی‌کار در استان‌های مازندران و فارس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز، صفحات ۲۳-۳۷.
۲۲. نعیمی‌نظام‌آبادی، م. (۱۳۷۷). بررسی عوامل مؤثر بر گسترش و توسعه بیمه کشاورزی.

Management in China: A Framework Design. *Agricultural Economy*. (18), 131-145 Retrieved from <http://delphe260.org.cn/admin/UploadFiles/2008122154645434.pdf>

S27.asmal, J. (2003). Consideration of risk in the production of high yielding variety paddy: A generalized stochastic formulation for function estimation. *Indian Journal of Agricultural Economic*, 65(2), 59-60.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت، دانشکده مدیریت، تهران، صفحات ۴۲-۳۵.

23. Bakker, E. J. (2007). Demand for rainfall insurance in the semi-arid tropics in the India. Progress Report, Economics Group, Resource Management Program, 101(4), 101-151.
- L24. ien, G., Flaten, O., Anne Moxnes J., Ebbesvik, M., Koesling, M & Steinar Valle, P. (2005). Management and risk characteristics of part-time and full-time farmers in Norway. *Review of Agricultural Economics*, 28(1), 111-131.
- N25. elson, C. H., & Loehman, E. T. (1987). Further toward a theory of agricultural insurance and risk *American Journal of Agricultural Economics*, 69(3), 523-531.
26. Qiao, Z., & Lei, X. (2007). The System of Agricultural Risk

Archive